

چگونه راهنمایی کنیم جوانان را

آیا حق داریم از آنان بخواهیم مثل مردم قدیم فکر کنند؟

تکوین می‌یابد. از سوی دیگر مدرسه و محیط نیز به نوبه خود چیزهایی می‌آموزند. تحولات جامعه و پیشرفت‌هایی که نتیجه تمدن است هر روز مطالب و مسائل تازه‌تری را عرضه می‌کنند. همه اینها در ذهن نقش‌پذیر دانش‌آموز اثر می‌گذارد و در او واکنش‌ها و خواهش‌هایی ایجاد می‌کند. در این مرحله است که هوشیاری و روشن‌بینی پدران و مادران و درک نیازمندی‌های جوانان و دانش‌آموزان می‌تواند در رفع بسیاری از دشواریها سودمند واقع شود و برعکس جمود، با بی‌اعتنائی آنان در تشخیص توقعات دانش‌آموز چه بسا که از یک کودک سربراه جوانی عاصی و سرکش می‌سازد. پدران و مادران بیش از هر چیز باید این نکته را دریابند و به آن تسلیم شوند که زمان و تحولات آن با دگرگونی‌های بیشماری که در زندگی پیش آورده است

پیش از آنکه کودک راه آموزشگاه را در پیش گیرد، در میان خانواده و در دامان پدر و مادر پرورش می‌یابد و تربیت نخست خود را از آنجا فرا می‌گیرد. بنابراین در میان مسائل آموزش و پرورش روابط خانوادگی افراد و طرز برخورد آنان با یکدیگر بیش از هر چیز شایسته مطالعه و ارزشیابی است. آنچه مدرسه یاد میدهد. وقتی می‌تواند شمر بخش باشد و نتایج مورد انتظار خود را ببار آورد که تربیت ابتدائی طفل بر مبنای صحیحی پایه‌گذاری شده باشد. یادست کم بدآموزیها و سوءرفتارهایی که در پاره‌ای از خانواده‌ها دیده می‌شود روح طفل را فاسد نکرده باشد. مهمتر آن که وقتی کودک بمدرسه میرود، باز قسمت عمده از زندگی خود را در میان افراد خانواده و یا پدر و مادر خود بسر می‌برد و در واقع شخصیت روحی و فکری او در آنجا



اگر میخواهیم فرزندانمان با او دریا بند ما باید
ابتدا زبانشان را بپایه زمین و زبانشان را دریابیم

فرزندان آنان را نیز با اندیشه‌های متناسب و همرنگ محیط بارمی‌آورد. پدران و مادران خوب و وظیفه‌شناس کسانی هستند که به این تحول و تکامل آگاهی داشته باشند و همگام با پیشرفت‌ها و خواسته‌های زمان فرزندان خود را تربیت نمایند. امیرالمومنین علی علیه السلام میفرماید: ادب‌اولادکم بغیر آدابکم لانهم خلقوا بغیر زمانکم. فرزندان خود را بغیر از آداب و رسوم خود تربیت کنید، زیرا آنان در زمانی غیر از زمان شما متولد شده‌اند، پدران و مادران نباید غافل باشند که آنان انسانی دیگر و متعلق به زمانی دیگر بوده‌اند زمان آنان گذشته است. دنیای تازه امروز که پس از سالها سکوت و خفقان بدست آمده. با دنیای دیروز کاملا متفاوت است. فرزندان امروز به افق‌های خیلی دوردست نگاه می‌کنند. چیزهایی را می‌بینند و از آنان به هیجان می‌آیند که در خیلی موارد برای مردم دنیای دیروز اصلا مفهومی ندارد. زندگی جدید و طرز فکر نوی که برای جوانان ما تازگی دارد با رنگ‌های گونه‌گونش آنان را بدنبال خود می‌کشاند. و در راهی جز راه دیروز می‌برد. این حرکات و کشش‌هاست که وظیفه پدران و مادران را سخت دشوار می‌سازد. و از آنان می‌خواهد. در راه تربیت فرزندان‌شان فداکاری بیشتری کنند و بدردها و نیازهای اجتماعی آنان که خواست روزگار و زمان است. بیشتر بیندیشند. فرزندان

امروز موجودات سرد و بی‌خاموشی نیستند که از آنان توقع داشته باشیم کور و کر و لال سرنوشتی را بپذیرند. سرنوشتی را که ما با تمام محدودیت‌های خود برایشان معین و ترسیم کرده‌ایم. باید پیش از آن که آنان را محکوم اراده خود بدانیم. همچون مشاوری دلسوز و دوستی مهربان و همراه به حرف‌هایشان گوش فرادهیم. و آنان را با فرزندی و تدبیر موافق با احتیاجات روز رهنمائی نمائیم. نباید از خاطر ببریم که فرزندان امروز برای دنیائی دیگر تربیت می‌شوند. دنیائی که زندگی در آن مستلزم آمادگیها و کوشش‌های بیشتری خواهد بود. دنیائی که ده‌ها هزار شهید به امانت آن را به جوانان سپرده‌اند. دنیائی که جوانان هرگز حاضر نیستند سایه قدرتهای چپاولگر را در حتی یک وجب از خاک این مملکت ببینند. آنان را برای چنین دنیائی آماده کنیم. اگر قدری به خلق و خوی جوانان توجه کنیم. و حالات و روحیات فرزندان را مورد بررسی قرار دهیم به این نتیجه می‌رسیم که مرحله جوانی یکی از مراحل حاد زندگی است انسان در این مرحله بخاطر غرور خاصی که پیدا می‌کند میل دارد خود را شخصیتی مستقل معرفی نماید و افکار و اندیشه‌های جدیدی را در ذهن خود پروراند. یعنی صفحه خاطرش آماده است تا هر نوع نقش جدیدی را بپذیرد. بر این اساس تلقینات سودمند یا زیان‌آور سهولت می‌

تواند در چنین جوانی راه پیدا کند و او را برای کار نیک یا بد آماده سازد. بدین معنی که اگر در معرض افکار صحیح و استثنائی قرار گیرد خواه ناخواه راه درست خود را می یابد و در جاده کمال گام می نهد و به سر منزل مقصود می رسد و عضوی مفید و موثر ببار می آید. اما در صورتی که بداندیشی در کمینش بنشیند بزودی افکارش دستخوش دگرگونی می شود و معتقدات نادرست و بی اساس را در حکم وحی منزل می پذیرد. رسوخ اندیشه های باطل در روح و فکر جوانان با شرایطی که در بالا بدان اشاره کردیم عوارضی ببار می آورد که برای مملکت گران تمام می شود خانواده ها را در هم می ریزد و ملتی را در غمی عمیق فرو می برد.

پس. بنابراین آنچه که گذشت جوانان در سنین جوانی بیشتر به راهنمایی احتیاج دارند. این راهنما، چه کسی می تواند باشد؟ آیا نزدیکتر، و صادق تر و صالح تر از پدر و مادر برای ارائه این مسئولیت کسی را می شناسید؟ اولیاء لازم است در نهایت صبر و حوصله. دور از هرگونه تعصب در بالاترین حد رفاقت و صمیمیت مراقب و مشاور رفتار و کردار فرزندان خود باشند و روابط آنان را با افراد و دوستانشان تحت نظر گیرند. و این مطلب را نیک دریابند که خود پذیراست نفس انسانی. مصاحبت و هم نشینی با بدان و نابکاران لاجرم شخص را به بی راهه میکشاند

و عقل و هوش را می رباید. نخستین وظیفه پدران و مادران توجه پیدا نمودن به این مسائل و سپس مراقبت و مواظبت از فرزندان است البته در این مورد باید کمال دقت و مهارت بکار بسته شود. اعمال خشونت و بی اعتنائی نه تنها نمی تواند فایده ای داشته باشد. بلکه نتایج نامطلوب ببار می آورد. باید پدران و مادران با فرزندان خویش رفاقت کنند و اعتمادشان را بدست آورند و هدفهای خود را در قالب مطالبی بیان دارند که بهیچوجه جنبه نصیحت مستقیم نداشته باشد. زیرا روح حساس آنان از شنیدن نصایح چندان دلخوشی ندارد به موازات مراقبت دائمی در نحوه رفتار و کردار خودمان تفحص و جستجو در احوال معاشران و دوستان هم باید مورد کمال توجه باشد زیرا اغفالگران معمولاً از این راه وارد می شوند و در پوشش دشمنان دوست نما مقاصد پلید خود را بموقع عمل می گذارند. در پایان لازم به یادآوریست که همه پدران و مادران. متصدیان ارتباطات جمعی. کلیه مربیان. که عاشق ایرانی به تمام معنی آزاد و آباد هستند. و کسانی که نقش ارشاد و هدایت جوانان را بعهده دارند از شعارها دست برداشته و برای نیل به داشتن جامعه ای سلامت حقایق را آنچنان که هست دریابند و با حوصله، تدبیر، منطق و استدلال مسائل اجتماعی را برای جوانان مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. □